

علمدار نیامد؛

## همه آمدند / کاش بودی و می دیدی

امروز میلیون‌ها نفر برای بدرقه پیکر سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی آمدند تا به رئیس جمهوری آمریکا نشان دهند شناخت درستی از مردم ایران نداشته است.

گروه دانشگاه ایسکانیوز؛ مهدی فیضی صفت - مردم ایران غیر قابل پیش‌بینی‌اند، دو ماه پیش به سیاست‌های دولت معترض بودند، حاکمان آمریکا خوشحال شدند از پالس‌های مثبت تحریم‌ها؛ اما دونالد ترامپ نمی‌دانست مردم ایران، مسائل را با هم قاطی نمی‌کنند؛ اعتراض‌های مردم سر جایش باقی است؛ اما آنها قهرمان‌شان را دوست دارند.

مردم ایران از شوآف بیزارند و به شدت در برابر آن واکنش نشان منفی می‌دهند، فرقی نمی‌کند شومن چه کسی باشد، از سلبریتی‌های سینما و موسیقی گرفته تا سیاسیون و دولتمردان؛ اگر روی موجی سوار شوند و چنین حسی را به مردم احساسی ایران منتقل کنند، شدیدترین عکس‌العمل‌ها را می‌بینند؛ حتی اگر برای کودک کار یا زلزله‌زده‌ای باشد.

حاج قاسم سلیمانی دوست‌داشتنی بود؛ چون شبیه حرف‌هایش بود؛ می‌رفت وسط مردم؛ انتقادهای‌شان را می‌شنید و مردم می‌دیدند سردارشان پای کار است.

بالای گود نمی‌نشست تا بگوید لنگش کن، مثل برادرِ دختر مورد علاقه مجید سوزوکی در اخراجی‌ها نبود که همه را به جبهه بفرستد و خودش سعادت حضور در خط مقدم را پیدا نکند! قاسم سلیمانی می‌رفت وسط میدان مین و زیر توپ و خمپاره. اگر حرف از برقراری صلح در منطقه می‌زد، در دل عراق، سوریه و یمن، همپای سربازانش می‌جنگید.

قاسم سلیمانی سردار بود، یک افسر نظامی، یک نظامی رده بالا؛ اما مردم او را با یک عبارت می‌شناختند؛ حاج قاسم. حاج قاسم قهرمان.

صبح جمعه هیچ‌یک از مردم ایران فکرش را هم نمی‌کرد با خبر شهادت حاج قاسم روزش را شروع کند؛ از گذشته هریک از بزرگان و هنرمندان ایرانی از دنیا می‌رفت جمله معروفی گفته می‌شد که ما ایرانی‌ها مُرده‌پرستیم؛ ایرانی‌ها کمتر اسطوره زنده دارند، اسطوره‌هایمان را از دل کتاب‌های تاریخ پیدا می‌کنیم؛ اما حاج قاسم از معدود اسطوره‌های زنده ایرانی‌ها بود.

شاید شعاری به نظر برسد؛ اما تک‌تک ملت ایران می‌دانند که عشق حاج قاسم در دل مردم، شعار نیست. قاسم سلیمانی سردار بود، یک افسر نظامی، یک نظامی رده‌بالا؛ اما مردم او را با یک عبارت می‌شناختند؛ حاج قاسم. حاج قاسم قهرمان.

از اولین روز شهادت سردار، قصد داشتیم به عنوان خبرنگار مطلبی برایشان بنویسم، تعریف و تمجید، از رشادت‌ها و خوبی‌ها، از جنگ‌ها و پیروزی‌ها، از مبارزات و سربازی‌ها، از مردم‌داری و صداقت حاج قاسم؛ اما هرچه نوشته می‌شد کلیشه بود، داستان‌های تکراری بود، اصلاً

جسارت بود؛ اما امروز که تشییع پیکر سردار سلیمانی بود، بی‌اختیار نوشتم، برای حاج قاسم ایرانی‌ها نوشتم.

حاج قاسم، امروز همه آمدند؛ از بچه‌های بالاشهر تجریش و نیاوران تا راه‌آهن و پامنار؛ از دکتر و مهندس تا معلم و کارگر؛ از بسیجی و مذهبی تا سانتی‌مانتال و فکل کراواتی. چنین جمعیتی را تاریخ ایران کمتر به چشم دیده بود؛ پیش‌تر مردم در مراسم تشییع پیکر امام خمینی (ره) حضور چشمگیری داشتند؛ اما امروز تعداد حاضران در مراسم بدرقه فراتر از تصور بود.

حاج قاسم، کاش بودی و می‌دیدمی که مردم امروز به شلوغی مترو و خیابان‌ها اعتراض نداشتند، از اختلال در زمان‌بندی حرکت متروها زبان به گلایه باز نکردند، سیل جمعیتی از شهرهای دور و نزدیک آمدند تا برای بار آخر با قهرمان‌شان وداع کنند، مردم در پیاده‌روها قدم به قدم و نفس به نفس پیش می‌رفتند.

واقعیت این است که سرداران و پادشاهان زیادی می‌خواستند اسم‌شان را در تاریخ ماندگار کنند؛ اما نتوانستند، به‌زور نمی‌توان جایی در گوشه قلب مردم باز کرد. ترامپ فکر می‌کرد با توجه به اتفاقات آبان ۹۸، مردم پشت نظام را خالی کرده‌اند و از ترور مهم‌ترین فرمانده نظامی کشورشان خوشحال می‌شوند؛ اما محاسباتش اشتباه بود و معادلاتش درست از آب درنیامد؛ همان اشتباه صدام را تکرار کرد. دیکتاتور بعثی هم می‌خواست سه‌روزه خرمشهر و یک‌هفته‌ای تهران را بگیرد؛ اما حساب جوانانی را نکرده بود که سر خاک وطن شوخی ندارند.

حاج قاسم، امروز حساب هیچ‌یک از مردم از دیگری جدا نبود، جناح‌های مختلف و مخالف در صف بودند، کنار هم، اختلافات را گذاشتند برای وقت مناسب؛ امروز میلیون‌ها نفر به دانشگاه تهران رفتند و خیابان‌های اطراف را هم پر کردند تا به رئیس جمهوری آمریکا بگویند اگر جیب‌شان خالی باشد و حتی کارد به استخوان‌شان برسد، چشم امیدشان به فاتح خارجی نخواهد بود.

اما نه حاج قاسم، خوب شد که امروز نبود، امروز بغض آقا ترکید، شعار در گزارش خبرنگار جایی ندارد؛ اما امروز علمدار نیامد و دوشادوش سید کسی نبود.

امروز غیر از سردار، همه بودند؛ حتی خیلی از آنهایی که دو ماه پیش آمدند برای اعتراض به گرانی ناگهانی قیمت بنزین. امروز همه آمدند؛ عکس و فیلم‌هایش هم موجود است، هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید عکس‌ها فتوشاپ بود و فیلم‌ها آرشیوی! آمریکایی‌ها هم حیرت کرده‌اند؛ سلبریتی‌هایشان فیلم مراسم تشییع را در شبکه‌های اجتماعی منتشر و بازنشر می‌کنند، مانده‌اند اگر قاسم سلیمانی تروریست و عامل ناامنی منطقه بود، پس چرا چند میلیون ایرانی برای بدرقه رفتند؟!

مگر می‌شود همه را به زور آورد؟ چند اداره، کارمندشان را مجبور کنند؟ چند نفر بیایند تا عکس و فیلم‌شان ضبط و پخش شود؟ اصلاً می‌شود چند میلیون آدم را به‌زور دور هم جمع کرد؟ آن هم مردم ایران که تجربه نشان داده زیر بار حرف زور نمی‌روند و اگر نخواهند کاری را انجام دهند، نمی‌کنند.

معروف است صدام با پدیده کیش شخصیت و با بهره‌گیری از پروپاگاندای رسانه‌ای و تبلیغاتی، سعی در ترسیم چهره‌ای قهرمان از خود داشت؛ اما تاریخ همیشه با انسان‌ها صادق است. امروز جهان، صدام و امثالش را دیکتاتوری جنایتکار به یاد می‌آورد؛ اما قاسم سلیمانی را قهرمان.

